

زان سبب گفت این فقیر را چند بیتی نظمه در موزون لقب

و رند شمر اینست باین احتیاج که بود لطفش دهد او را رواج

و ر خطای رفتی با سهو دران امر خواهد کرد بر اصلاح آن

شاه در یکف امیر نامدار صاحب فتح ظفر کوه و قار

رو تو عبد الله بس کن این خطاب در تو که بار دکن مدح افتاب

مدح او پایان ندارد در شمار بر دعا اول نماز اختصار

تا بود باقی قراءت در کلام عمر دولت باد با تو والسلام

بهر تاریخ از حد کرد سؤال تا بنام شه شوم و ختم مقام

هاتف از غیبم بگفت این بیان شاه خالد حاکم مملکت بیان

تم شد تمام تجویدم قمران مجید چون ملکه الحمید علی بد اطعم العباد

بجده الله ز لطف اوست و نقشندان ^{۳۳} چو بر سجاده ارشاد در ندان خرد مندان

بجمع قلب با ایشان نشینم خرم خندان ادیب من جلس من شود در حلقه زندان

بکوشش کرر غم ناله مستانه خود را الله الرحمن الرحیم

Copyright © King Saud University